



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۲/۰۱

داکتر محمدآجان مرزی

نگاهی به اوضاع اقتصادی جهان

قسمت دوم

قیمت نفت در جهان

کاهش قیمت نفت در جهان نیز در سال‌های اخیر تأثیر ناگواری بالای اقتصاد ملی بسیاری از کشورها وارد نموده است، به خصوص کشورها ای که عواید ملی شان تا به حد زیاد به عواید از صادرات نفت وابسته است. یکی از دلایل تقلیل قیمت نفت در جهان تصمیم کشورهای صادرکننده نفت در ارتباط با ازدیاد عرضه نفت در بازارهای بین‌المللی است. نفت همانند هر امتعه دیگر در اقتصاد تا حد زیاد تابع رابطه متقابل بین عرضه و تقاضا می‌باشد. بدین معنی که با ازدیاد عرضه نفت در صورت ثابت بودن تقاضا و یا هم پائین بودن تقاضا قیمت نفت در بازارهای بین‌المللی تقلیل می‌یابد. در چند سال اخیر عرضه بیشتر نفت بالای قیمت نفت در جهان فشار آورده است.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) در حدود ۴۰٪ نفت در جهان را به بازار عرضه می‌کند و ۱۴ کشور صادرکننده نفت در آن عضویت دارد، منجمله ایران و عربستان سعودی. این کشورها با بلندبردن و یا پائین آوردن عرضه نفت به بازارهای بین‌المللی تا حد زیاد بالای قیمت نفت در جهان تأثیر وارد می‌کنند. زمانیکه در سال ۲۰۱۴ میلادی قیمت یک بیئرل نفت خام در جهان از بیشتر از ۱۰۰ دلار امریکایی به کمتر از ۵۰ دلار امریکایی تقلیل یافت، یکی از دلایل آن، از نظر کارشناسان اقتصادی، تصمیم سازمان کشورهای صادرکننده نفت بود. این کشورها عرضه نفت را در بازار، باوجود کاهش تقاضا به آن ثابت نگهداشتند، به خصوص عربستان سعودی که نفت را با مصارف نسبتاً کم استخراج و به بازار عرضه می‌کند. به این ترتیب می‌توان گفت که یکی از دلایل کاهش قیمت نفت در بازارهای جهان اختلال در تناسب بین عرضه و تقاضا می‌باشد که بالای قیمت تأثیر مستقیم وارد می‌کند.

در گذشته سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) در زمان پائین آمدن قیمت نفت در جهان با محدود ساختن عرضه، تا حدی از این گونه کاهش در قیمت جلوگیری می‌کردند. اما اکنون کشورهای عضو این سازمان، همانند سال ۲۰۱۴ میلادی، بر مبنای اختلافات سیاسی و در نظر داشت منافع اقتصادی شان، بر تعیین یک حد برای عرضه به بازار به توافق نمی‌رسند. هر یک از این کشورها کوشش می‌کند که حاکمیت اش را بالای بازارهای جهانی بیشتر کرده و نفت بیشتر را به بازار عرضه می‌کند. به خصوص عربستان سعودی، تا به سال‌های اخیر بزرگترین صادرکننده نفت در جهان، در سدد آنست که از طریق ازدیاد عرضه و بدین ترتیب قیمت پائین نفت، کشورها ایرا که مصارف استخراج نفت در آنها زیاد است از بازار بیرون کرده و حاکمیت اش را بالای بازارهای جهانی تحکیم بخشد.

در برخی از کشورهای جهان بنابر دلایل جیولوژیکی، طوریکه در بالا تذکر داده شد، مصارف استخراج نفت زیاد بوده و برای مدت زیاد توان اقتصادی تحمل قیمت پائین نفت را ندارند. برخلاف، برخی از کشورهای دیگر بنابر مشخصات مساعد جیولوژیکی قادر به استخراج نفت با مصارف کم می‌باشند. به اساس ارقام سال ۲۰۱۵ میلادی، مصارف استخراج یک بیئرل نفت در عربستان سعودی کمتر از هر کشور دیگر بود (۲۵ دلار امریکایی). بدین ترتیب این کشور میتواند از نقطه نظر قیمت با سایر کشورهای صادرکننده نفت رقابت کند. مصارف استخراج یک بیئرل نفت در سال ۲۰۱۵ میلادی در روسیه ۴۵ دلار امریکایی در ایالات متحده ۵۰ دلار امریکایی در چین بیشتر از ۶۰ دلار امریکایی در برزیل و مکزیکو بیشتر از ۷۰ دلار امریکایی بود (تلویزیون 3SAT، ۲۰۱۵).

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

در ایالات متحده از چند سال به اینطرف از یک تخنیک جدید استخراج نفت - فریکینگ (Fracking) - استفاده می‌شود. این کشور با استفاده از این تخنیک توانسته است که استخراج نفت را در یک مدت کوتاه از دید بخش. ایالات متحده توانست که تا نیمه سال ۲۰۱۴ میلادی مقدار استخراج نفت را با استفاده از این تخنیک در جریان سه سال سه چند سازد. استفاده از این تخنیک یک دلیل دیگر از دید عرضه و کاهش قیمت نفت در بازار های جهان است. مصارف استخراج نفت با استفاده از تخنیک فریکینگ زیاد بوده و به ۷۵ دالر امریکائی فی بیرل بالغ می‌گردد. عربستان سعودی، به خصوص، با استخراج نفت به وسیله تخنیک فریکینگ رقابت قیمت کرده و می‌خواهد که از استخراج و عرضه نفت با استفاده از این تخنیک جلوگیری کند. این کشور در عین زمان با ایران و عراق هم در توسعه سهم اش در بازار های بین المللی رقابت می‌کند.

یک دلیل دیگر کاهش قیمت نفت در جهان سطح رشد پائین اقتصاد جهان بعد از سال ۲۰۱۴ میلادی بود. اقتصاد ملی چین، روسیه برزیل و سایر کشور های در حال ظهور به شمول برخی از کشور های رشد یافته با مشکلات اقتصادی مقابل شده، سطح تولید شان فروکش نموده و بدین ترتیب تقاضا به نفت نیز تقلیل یافت. رشد اقتصادی چین در جریان سال ۲۰۱۴ میلادی به ۶،۲ در صد پائین آمد. این پائین ترین سطح رشد اقتصادی در کشور بعد از سال ۱۹۹۹ میلادی بود. (جریده The Economist، ۲۰۱۵). اقتصاد ملی برزیل، که بزرگترین اقتصاد در امریکای لاتین است، در سال ۲۰۱۴ میلادی با رکود اقتصادی مواجه شده، نرخ انفلاسیون در آن خیلی بلند رفته و اعتماد سرمایه گذاران بر اقتصاد کشور کم شد. سطح رشد این کشور در سال ۲۰۱۳ میلادی ۲،۷ در صد بود و در سال ۲۰۱۴ میلادی به ۰،۱ در صد پائین آمد. رشد تقاضای داخلی، تولید صنعتی، سرمایه گذاری و بیلاس مالی کشور در سال ۲۰۱۴ میلادی منفی بود که این رشد منفی در سال ۲۰۱۵ میلادی بیشتر شد. (Focus- Economics، ۲۰۱۵).

اقتصاد ملی برخی از کشورهای در حال ظهور، به خصوص چین، در سالهای بعد از سال ۲۰۱۴ میلادی با مشکلات بیشتر مقابل شده و به این ترتیب تقاضا به نفت و سایر مواد خام نیز تقلیل بیشتر یافت. یکی از دلایل کاهش سطح رشد اقتصاد ملی چین در سال ۲۰۱۶ میلادی تقلیل سرمایه گذاری در دارایی های ثابت بود. در سالهای قبل، در چین در نتیجه سیاست تشویق تقاضای داخلی، به منظور استقلال نسبی از صادرات، در سکتور مسکن رهائشی یک نوع حساب رویکار آمده بود که خطر کفیدن آن و ایجاد یک بحران مالی در کشور موجود بود. بدین لحاظ سرمایه گذاری در بخش دارایی های ثابت تقلیل یافت که در مجموع باعث رشد کندتر اقتصاد ملی شد. دلیل دیگر رشد کندتر اقتصاد ملی چین در سال ۲۰۱۶ میلادی مازاد ظرفیت ها در تولید المونیم، فولاد، سمنت و ذغال سنگ بود. پائین آمدن تقاضای داخلی و خارجی به این مواد بالای سکتورهای مذکور فشار بیشتر را وارد کرد. دولت مجبور بود که به این تصدی ها کمک مالی کرده و به این ترتیب فشار مالی بالای دولت نیز بیشتر شد. و بالاخره بی کفایتی در سکتور خدمات باعث فروکش شدن بیشتر رشد اقتصاد چین در سال ۲۰۱۶ میلادی شد.

رشد نسبتاً ضعیف اقتصاد ملی چین، رشد اقتصاد ملی برخی از کشورهای دیگر را که با این کشور روابط تجارت خارجی داشتند نیز با مشکلات جدی اقتصادی مواجه ساخت. یکی از این کشورها برزیل بود که تا به امروز با مشکلات بحران اقتصادی مقابل است. اقتصاد ملی برزیل در دهه گذشته رشد نسبتاً قوی داشته و تصور میشد که رشد عمومی اقتصاد ملی کشور همانند سایر کشورهای باریکس BRICS (برزیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی) تا سال ۲۰۵۰ میلادی بیشتر از کشورهای پیشرفته جهان خواهد بود. اما به خصوص در جریان سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ میلادی، نرخ رشد اقتصاد ملی این کشور در حدود ۷٪ منفی بود. رشد اقتصادی این کشور در سالهای ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ میلادی باز هم مثبت بوده و به ۱،۱٪ رسیده و در سال ۲۰۱۹ میلادی هم بلندتر از دو سال قبلی خواهد بود (بی بی سی، ۲۰۱۹).

زمانی که تأثیر سطح پائین قیمت نفت را بالای اقتصاد جهان تحلیل می‌کنیم، باید به این نکته توجه شود که این تأثیرات بالای کشور های صادر کننده و وارد کننده نفت متفاوت هستند. سطح پائین قیمت نفت بالای آنده کشورها ایکه از نگاه مالی تا حد زیاد به عواید نفتی وابسته اند، فشار زیاد مالی وارد آورده و برایشان خطر افلاس دولتی را ایجاد می‌کند. برعکس کشور ها ایکه واردکننده نفت هستند از سطح پائین قیمت نفت تا حدی بهر مند میشوند. مؤلین درین کشور ها

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنالین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولې

منحیث مصرف کنندگان مواد خام با کم شدن نسبی مصارف تولیدی شان و افراد و اشخاص از نقطه نظر قیمت نازل مواد سوخت، از این حالت مستفید می‌شوند.

اما باید یادآور شد که در صورت کاهش عواید کشور های صادر کننده نفت، تقاضای جهانی به محصولات تولید شده نیز کاهش می یابد. درین حالت تأثیرات منفی بالای رشد اقتصاد جهان وارد شده می‌تواند. از طرف دیگر زمانیکه عواید شرکت‌های بزرگ نفتی از استخراج و فروش نفت و مواد نفتی کم شود، سرمایه گذاری هایشانرا یا به تأخیر می‌اندازند و یا متوقف می‌سازند و به این ترتیب از شمار کارمندان خود می‌کاهند. در نتیجه، بنا بر کاهش سرمایه گذاری و قدرت خرید مستهلکین، تقاضا به کالاها و خدمات کم شده و سطح رشد اقتصادی پائین می آید.

یک مثال عمده، در سال‌های اخیر، برای تأثیر منفی تقلیل قیمت نفت در جهان وینزویلا است. اما باید گفت که قیمت نفت در جهان یگانه دلیل مشکلات و بحران اقتصادی و سیاسی در وینزویلا نیست. این کشور در سال‌های اخیر بنابر دلایل مختلف با مشکلات جدی اقتصادی مواجه می‌باشد. در رابطه با مشکلات اقتصادی این کشور میتوان سه عامل عمده را یادآور شد؛ عدم توجه حکومت به سرمایه گذاری در بخش استخراج نفت در زمانیکه قیمت یک بیبرل نفت در جهان بالاتر از ۱۰۰ دلار امریکائی بود، کاهش فوق العاده زیاد قیمت نفت و تعزیرات امریکا و جهان غرب در برابر کشور از سبب سیاست چپ گرای این کشور. این سه عامل در واقعیت امر بالای همدیگر تأثیر مستقیم و یا غیر مستقیم داشته اند.

زمانیکه قیمت نفت در جهان بلند بود، کشورهای صادر کننده نفت، به شمول وینزویلا، که قسمت اعظم عاید ملی شان وابسته به صادرات نفت است، از فروش نفت در جهان سود هنگفت بدست می آوردند. برخی از کشورها، چون وینزویلا، به فکر آن بودند که این حالت برای همیشه همین سان باقی خواهد ماند. وینزویلا در آزمون قسمت اعظم عواید از صادرات نفت را در ساحات خدمات اجتماعی به مصرف رسانیده، بازسازی صنایع استخراج نفت و به این ترتیب سرمایه گذاری مجدد درین سکتور را تا به حد زیاد نادیده گرفت. از طرف دیگر، این کشور تلاشی را در جهت استقلال نسبی از وابستگی به عواید از صادرات نفتی روی دست نگرفت.

در رابطه با انکشافات در وینزویلا و هم در برخی از سایر ممالک ایکه اقتصاد ملی شان تا حد زیاد وابسته به عواید از صادرات مواد خام است، میتوان از یک پدیده اقتصاد ملی به نام "بیماری هالندی" نام برد. این اصطلاح در سال ۱۹۷۷، زمانی رونما شد که همراه با رونق سکتور مواد خام در نیدرلند در نتیجه کشف ذخایر جدید گاز طبیعی، نرخ تبادل ارز ملی نیدرلند ارتقا یافته و سطح تولید صنعتی کشور نزول کرد. با صادرات مواد خام، بطور مثال نفت، اسعار خارجی داخل اقتصاد ملی شده و در نتیجه تبادل این اسعار با ارز ملی، تقاضا به ارز ملی بالا رفته و نرخ تبادل ارز ملی ارتقا می‌یابد. با ارتقای نرخ تبادل ارز ملی واردات ارزانتر و صادرات گرانتر می‌شوند. به این ترتیب محصولات وارداتی ارزان در برابر رشد محصولات نسبتاً گران داخلی قرار گرفته و صنایع، به غیر از مواد خام صادراتی را با مشکلات مواجه ساخته، قابلیت رقابت محصولات داخلی در بازارهای جهانی تقلیل می‌یابد. فعالیت تولیدی در سکتورهای صنعتی و زراعتی با رکود مواجه شده و نیروی کار به سکتور مواد خام رجوع می‌کند. دولت با استفاده عواید از صادرات مواد خام، سایر سکتورها را بصورت مصنوعی حمایت کرده، مزد و معاش درین سکتورها را جهت جلوگیری از رفتن نیروی کار به سکتور مواد خام بلند می‌برد. دولت همراه با سایر مصارف بودجوی، با استفاده از عواید از فروش مواد خام، قابلیت خرید مستهلکین داخلی را، به خصوص به محصولات وارداتی، ارتقا میبخشد. ارتقای قابلیت خرید مستهلکین باعث ارتقای سطح عمومی قیم شده و در نتیجه ارز ملی ارزش داخلی اشرا از دست داده و در اقتصاد ملی یک حالت انفلاسیون ایجاد می‌شود. این حالت در زمان نزول قیمت مواد خام در بازارهای بین‌المللی باعث می‌شود که دولت دیگر عاید کافی برای تمویل مصارف اش در دست نداشته باشد. سیستم مصنوعی سبیدی‌ها، خدمات اجتماعی، عرضه محصولات به بازار و سایر فعالیت‌های اقتصادی در هم فروریخته و یک حالت رکود اقتصادی رونما می‌شود. عواید وینزویلا، همراه با نزول نرخ نفت در بازارهای جهانی، از فروش نفت تا حد زیاد کم شد و در نتیجه دولت با مشکلات جدی بودجوی مواجه شد. در حدود ۹۰٪ عواید این کشور از صادرات نفت بدست می‌آید و این عواید ۵۰٪ محصولات ناخالص ملی کشور را تشکیل میدهد. کسر بودجوی این کشور از ۱۵،۵٪ در سال ۲۰۱۴ میلادی به ۲۹،۶٪ محصولات ناخالص ملی کشور در سال ۲۰۱۹ میلادی افزایش کرد. صندوق جهانی بین‌المللی نرخ انفلاسیون

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

برای ونزوئلا را برای سال ۲۰۱۹ میلادی ۱۰ میلیون در صد پیشبینی کرده است. این حالت بالای شرایط زندگی مردم تأثیر مستقیم داشته و باعث شده است که در سالهای اخیر ۱۰ در صد نفوس این کشور به کشورهای دیگر مهاجرت کند. تعزیرات اقتصادی از جانب کشورهای غربی، به خصوص اضلاع متحده آمریکا، شرایط اقتصادی این کشور را با مشکلات افزونتر مواجه ساخته است.

اقتصاد ملی روسیه نیز بعد از کاهش قیمت نفت در جهان با مشکلات زیاد مقابل شد. عواید از نفت و گاز ۶۰٪ صادرات و ۳۰٪ محصولات داخلی این کشور را تشکیل میدهد. روبل در نیمه دوم سال ۲۰۱۴ میلادی در تناسب با دلار امریائی ۵۹٪ ارزش اشرا از دست داد، نرخ انفلاسیون ارتقا کرده، سطح قیمت بلند رفته، سطح تولید کاهش نموده، بیکاری زیاد شده و مردم در زندگی روزمره شان با مشکلات جدی مواجه شدند. در ضمن واردات کشور نیز در نتیجه کاهش ارزش روبل تقلیل یافته و حکومت مجبور شد تا جهت جلوگیری از حالت انفلاسیونی نرخ ربح بانک مرکزی را در سال ۲۰۱۵ میلادی به ۱۷٪ ارتقا بخشد (دی پرزیو، گ، ۲۰۱۹). در مورد سایر انکشافات اقتصاد ملی روسیه در بخش بعدی توضیحات بیشتر خواهیم داد.

مشکلات مشابه ناشی از نزول قیمت نفت در جهان برای اقتصاد ملی ویزویلا و هم روسیه، تا حد زیاد در مورد اقتصاد ملی سایر کشورها ایکه عواید ملی شان تا حد زیاد به صادرات مواد خام وابسته است نیز مشاهده شده می تواند (به بیماری هالندی مراجعه شود). از نظر من باید کشورها تلاش کنند که اقتصاد ملی شان وابسته به یک سکتور و صرف یک منبع عایداتی نبوده، بلکه هدف انکشاف اقتصادی، رشد متوازن همه سکتورها باشد.

منابع:

۱- تلویزیون 3SAT، مصارف استخراج نفت، ۲۰۱۵، (3 SAT: Förderkosten für Öl)،
(در خط)، اینجا ببینید:

<http://www.3sat.de/page/?source=/boerse/magazin/180949/index.html>

(تاریخ دسترسی: ۱۴/۱۲/۲۰۱۵)

۲- جریده The Economist، اقتصاد چین، ۲۰۱۵، (The Economist: China's Economy)،
(در خط)، اینجا ببینید:

<http://www.economist.com/blogs/freeexchange/2015/10/chinas-economy>

(تاریخ دسترسی: ۱۴/۱۲/۲۰۱۵)

۳- Focus-Economics، نگاهی به اقتصاد برازیل، ۲۰۱۵، (Focus Economics: Brazil Economic Outlook)،
(در خط)، اینجا ببینید:

<http://www.focus-economics.com/countries/brazil>

(تاریخ دسترسی: ۱۴/۱۲/۲۰۱۵)

۴- بی بی سی، چه چیز باعث فرکشی اقتصاد برازیل می شود؟، ۲۰۱۶، (Box 1 What is driving Brazil's economic downturn?)،
(در خط)، اینجا ببینید:

<https://www.bbc.com/news/business-48386415>

(تاریخ دسترسی: ۱۲/۰۱/۲۰۲۰)

۵- گریگ دی پیرزیو، Investopedia، قیمت نفت چه تأثیری را بالای اقتصاد روسیه وارد می کند؟، ۲۰۱۹، (What's gone wrong with Brazil's economy?)،
(در خط)، اینجا ببینید:

<https://www.investopedia.com/ask/answers/030315/how-does-price-oil-affect-russias-economy.asp>

(تاریخ دسترسی: ۱۲/۰۱/۲۰۲۰)

ادامه دارد

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ